

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۲۳  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

فصل نامه علمی-تخصصی پژوهش‌های مهدوی  
سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۹۲

## تمدن‌سازی و هنر زمینه‌ساز؛ تصمیمی موعودگرا، راهبردی فعال

دکتر غلام‌رضا گودرزی\*

### چکیده

امروزه در دنیای زندگی می‌کنیم که در آن «هنر» شاهد انواع تعارضات در قول و عمل است و میان اندیشه‌های ناب در هنر با جلوه‌های جذاب آن در صحنه عمل، تفاوت‌هایی وجود دارد. نمونه‌ای از این تعارضات را می‌توان در نوع نگاه و تعامل ارزش‌های غربی با هنر دانست. در این نگاه از یک سو هنر به عنوان یک ابزار مقدس و محترم برای گسترش افکار انسان‌ها به شمار می‌رود و آزاد محسوب می‌شود و از سوی دیگر، اگر همین هنر ابزاری برای انتقال مفاهیم ناب و ارزش‌های اصیل ادیان الهی باشد، مورد نکوهش قرار می‌گیرد. با وجود تمام این نکات، بی‌تردید هنر یکی از کارآمدترین و ماندگارترین شیوه‌های گسترش عقاید و تأثیرگذاری بر افکار انسان‌ها بوده و به اعتباری می‌توان آن را از مهم‌ترین الزامات تمدن‌سازی به شمار آورد. امروزه غرب نیز با درک اهمیت راهبردی این موضوع، از هنر در همه قالب‌ها استفاده می‌کند تا تمدن خویش را استحکام بخشیده و آن را در سطح جهان گسترش دهد. نمونه‌های متعددی از کاربردهای هنر در این زمینه مشهود و معلوم است که با توجه به چنین جایگاه ویژه‌ای، در این نوشتار نقش هنر در تمدن‌سازی و تعالی هنر زمینه‌ساز را به عنوان تصمیمی موعودگرا و راهبردی فعال در اندیشه ناب مهدوی معرفی می‌نماییم.

### واژگان کلیدی

هنر، هنر زمینه‌ساز، تمدن‌سازی، تفکر مهدویت.

\* دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) تهران. (Rgodarzi@yahoo.com)

## مقدمه

معمولاً وقتی از واژه تمدن یاد می‌شود، هنر، یکی از آشکارترین جلوه‌های آن خواهد بود. زندگی انسان‌ها در طول تاریخ نیز همواره با هنر همراه بوده است. تمدن‌های بزرگی چون ایران، مصر، چین، یونان و روم نیز از این قواعد برکنار نبوده و هنوز هم وجود شاعرانی توانمند در ایران زمین، اهرام ثلاثه مصر، پارچه‌های رنگین چین، هنرهای رزمی و ورزشی یونان و معماری‌های زیبای روم، برخی از جلوه‌های هنر و تمدن‌های پیشین هستند. از این روست که باید گفت هنر بر زندگی بشری سایه‌ای ژرف گسترده است.

از منظر دینی نیز هنر و علاقه به زیبایی، از امور فطری به شمار می‌روند و در حقیقت عطیه‌ای الهی قلمداد می‌شوند. ضمن این‌که هنر در اندیشه اسلامی جایگاهی ویژه داشته و مورد تأکید پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است. البته وقتی در این جا از هنر صحبت می‌کنیم باید یادآور شویم که میان هنر دینی با هنر متداول امروزی ارتباطاتی وجود دارد. برای تبیین این تفاوت‌ها و روشن شدن موضوع، نخست باید به مفهوم «هنر» و «هنر دینی» نگاهی بیندازیم.

## هنر

برای بسیاری از واژگان در حوزه علوم انسانی، ارائه یک تعریف واحد سخت و دشوار است. از جمله دلایل این موضوع، پیچیدگی مباحث حوزه علوم انسانی، تفاوت‌های فرهنگی و نقش آن‌ها در ارائه تعاریف گوناگون و نیز ریشه‌دار بودن مفاهیم این حوزه در طول تاریخ تمدن بشری است. هنر نیز از این موضوع خارج نیست و درباره آن، تعاریف گوناگونی مطرح شده است. از جمله این‌که هنر، انعکاس تخیل و تصور هنرمند، تشبیهی از جهان که ما از آن لذت می‌بریم، کوششی برای ایجاد زیبایی و عالم ایده‌آل و در نهایت شکل دادن به تجارب انسان است که بدان می‌نگریم و از آن لذت می‌بریم. به عبارتی دیگر هنر، مبتنی بر نوعی علم و معرفت باطنی است که سرچشمه‌ای آسمانی دارد.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین تعاریف درباره هنر، مختص به اقبال لاهوری است. وی می‌گوید:

مقصود از هنر، اکتساب حرارت و نشاط ابدی است. ملت‌ها نمی‌توانند بدون معجزه قیام کنند. هنری که خاصیت عصای موسی یا دم عیسی علیه‌السلام در آن نباشد، چه فایده‌ای بر آن مترتب خواهد بود.<sup>۲</sup>

گفتنی است در ادبیات هنر، تقسیم بندی های گوناگونی برای هنر ارائه می شود. برای مثال، برخی هنر را به هنرهای زیبا و برخی هنرهای سنتی تقسیم بندی می کنند. هنرهای زیبا مجموعه ای از هفت هنر هستند که عبارتند از: موسیقی، هنرهای دستی، هنرهای ترسیمی، ادبیات، معماری، حرکات نمایشی و هنرهای نمایشی. از سوی دیگر، هنرهای سنتی، مجموعه ای از هنرها و صنایع ظریفه ای هستند که در طول سده های متمادی با حفظ ریشه ها و سنت های خود رشد کرده، مراحل شکل گیری خود را گذرانده یا می گذرانند.

اما در این نوشتار، تعریف دیگری برای هنر ارائه می شود که البته در مطالعاتی دقیق تر و تخصصی تر می تواند محل بحث و گفت و گو نیز باشد. بر اساس این تعریف، هنر عبارت است از یک موهبت الهی که به سبب آن، خلقی بشری که متضمن ارائه اندیشه، دیدگاه و جهان بینی خالق آن بوده و در نزد او دارای زیبایی منحصر به فردی است، حاصل می گردد.

در این تعریف، ویژگی هایی وجود دارد که عبارتند از:

- هنر در ذات خود از جانب خدا بوده و دارای بار و ارزش معنوی است.

- هنر تا زمانی که به خلقی یک ایده یا اثر نرسد و در حقیقت از بالقوه به بالفعل تبدیل نگردد،

قابل تعریف و البته سنجش نیست.

- هر هنرمندی نگاه خود به جهان را در قالب آثار هنری اش نشان می دهد. از این رو هنر را

می توان بازگوکننده ضمائر درونی انسان ها و حتی جوامع دانست.

- هر اثر هنری آن گاه ارزشمند است که نه از روی جبر و الزام که کاملاً بر پایه عمق وجود و

خواست مبدع آن خلق شده باشد؛ زیرا هنر برآمده از اختیار و علاقه درونی هنرمند، در نزد او

زیبایی ویژه ای دارد، و گرنه یک شعر به ظاهر زیبا ولی سروده شده بر اساس اجبار و فشار، قطعاً

در نزد شاعرش فاقد زیبایی منحصر به فرد است.

- هنر و آثار هنری با توجه به نظریات و سلیق گوناگون، دارای زیبایی های متفاوتند. یعنی

یک فیلم می تواند در نزد برخی از افراد بسیار هنری و غنی، و در نزد دیگران بی ارزش و سخیف

به شمار رود. دلیل این دو نوع قضاوت متعارض را نیز باید در هم راستایی یا تفاوت نگاه

ارزیابان با اندیشه و جهان بینی کارگردان فیلم جست و جو کرد.

نکته مهم در این بخش، دیدگاه رهبری به هنر است. ایشان از یک سو هنر را در متن

جامعه، حاضر و جاری دانسته و جایگاه آن را ویژه می دانند و از سوی دیگر، ویژگی های ممتازی

برای هنرمندان قائلند که مهم ترین آن عنایت الهی به آن هاست و البته نسبت به این موهبت،

رسالت و تکالیفی نیز بر عهده هنرمندان است. برای مثال، ایشان می‌فرمایند:

برخلاف تصور بعضی از دوستان، فرهنگ و هنر و ادب در کشور به هیچ وجه در حاشیه قرار ندارد. بلکه کاملاً در متن است... هنرگوهر بسیار گران بهایی است که ارزش و گران بهایی آن فقط بدین جهت نیست که دل‌ها و چشم‌هایی را به خود جذب می‌کند. خیلی از چیزهایی که هنری نیست ممکن است چشم‌ها و دل‌هایی را به خود جذب کند. نه این یک موهبت و عطیه الهی است. حقیقت هنر، هر نوع هنری یک عطیه الهی است. اگرچه بروز هنر در چگونگی تبیین است، اما این همه حقیقت هنر نیست. پیش از تبیین یک ادراک و احساس هنری وجود دارد و نکته اصلی آن جاست. بعد از آن که یک زیبایی، یک ظرافت و یک حقیقت ادراک شد از آن هزار نکته باریک تراز مو که گاهی آدم‌های غیرهنرمند نمی‌توانند یک نکته‌اش را هم درک کنند، هنرمند با همان روح هنری و با آن چراغ هنر که در درون او برافروخته شده است، ظرایف و دقایق و حقایق را ابراز می‌کند. این می‌شود هنر واقعی و حقیقی که ناشی از یک ادراک و یک بازتاب و یک تبیین است. در واقع هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است. به طور طبیعی کسی که این موهبت از سوی پروردگار مثل همه ثروت‌های دیگر به او داده شده است، باید بار مسؤولیتی را هم برای خودش قائل باشد.<sup>۳</sup>

### هنردینی

ارتباط بین دین و هنر از جمله مباحث مهم و اساسی است که اندیشمندان بسیاری در حوزه ادیان یا هنر درباره آن سخن گفته‌اند. البته در اصل مکاتب اصیل دینی و تحریف نشده، به علت نوع نگاه متفاوت به این دو بحث، تعارضی بین دین و هنر مطرح نیست، اما به علت وجود برخی از شباهات که در تفکرات غیردینی ریشه دارد، در ادبیات دینی به ویژه ادبیات اسلامی به موضوع ارتباط بین دین و هنر پرداخته شده است. اما آن چه در این میان بیشتر محل بحث بوده و متفکران مختلف نظرات گوناگونی را درباره‌اش بیان کرده‌اند، بحث هنر دینی است. این ترکیب که از تلفیق دو مفهوم مهم و کلیدی دین و هنر حاصل می‌گردد، در یک تعریف بسیار کلی به آثار هنری که خمیرمایه‌های دینی دارند، اطلاق شدنی است.

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین هنر دینی مطالب مفیدی دارند؛ ایشان در این باره می‌فرمایند:

هنر دینی آن است که معارفی را که ادیان الهی و کامل تراز همه، دین مبین اسلام با هدف سعادت حقیقی بشر به دنبال ترویج آن بوده‌اند، در جوامع انسانی منتشر کند و در افکار بشر ماندگار و جاودانه سازد... در هنر دینی الزامی به استفاده از واژگان یا نمادهای مذهبی نیست، بلکه ترویج هنرمندانه مقولاتی نظیر عدالت، حقوق انسانی و مسائل

اخلاقی و پرهیز از ابتدال و استحاله هویت انسان و جامعه می‌تواند نمونه‌های خوبی از هنردینی باشد.<sup>۴</sup>

با عنایت به این نگاه، تنها به عنوان یک نمونه و در مقام پاسداشت مقام جناب ابوطالب به ابراز ایمان ایشان، آن هم حاوی پرمغزترین و پرمعناترین مفاهیم ولی در قالب هنردینی اشاره می‌کنیم. در حقیقت قصد داریم با این مثال نشان دهیم که چگونه در شرایط سنگین و سخت ابتدای بعثت - که جو حاکم، ابوطالب را به پنهان نمودن ظاهری ایمانش به حضرت محمد ﷺ برای امکان حمایت از ایشان و در واقع کمک به شکوفایی نهال تازه اسلام وادار می‌کرد - هنر شعر که در آن زمان مورد علاقه جامعه عربی بود، بیان‌گر عمق ایمان او بوده است. در این جا به چند نمونه از مجموعه اشعاری که منسوب به ایشان است اشاره می‌کنیم:

ألم تعلموا أننا وجدنا محمداً رسولاً كموسى خط فى أول الكتب  
فلسنا و رب البيت نُسلم أحمداً لعزاء من عَضَّ الزمان ولا كرب<sup>۵</sup>  
در جایی دیگر ایشان می‌سرایند که:

ليعلم خيار الناس أن محمداً وزير لموسى و المسيح ابن مريم  
أنا بهدى مثل ما أتيا به فكلُّ بأمر الله يهدى و يعصم<sup>۶</sup>

### هنر زمینه‌ساز

در تفکر ناب و فعال مهدوی، جهان به سمت استقرار حکومت جهانی موعود الهی حرکت می‌کند و این حادثه و وعده بزرگ قطعاً تحقق خواهد یافت. در مقام مقایسه، در تفکرات فرجام‌شناسانه غربی، جهان به سمت استقرار نظمی نوین که بشرساز است حرکت می‌کند. به بیان دیگر، در این نگاه میل به رفاه‌طلبی و سودجویی بیشتر، سبب می‌شود آموزه‌های دینی نیز در محاسبات مادی لحاظ شده و تلاش شود برای حصول حاکمیت مطلق بر دنیا و کسب سود و رفاه بیشتر کوشش و تسریع شود. از این رو وظیفه هر فرد در این روند، فراهم آوردن مقدمات استیلای نظم نوین برگرفته از ارزش‌های غربی است. به بیان دیگر در این حالت، بشر با نفی یا محدود کردن اراده الهی و وزن دهی بسیار بالا به نقش انسان‌ها و البته در میان آن‌ها نیز نقش دادن کلیدی به قشر خاصی از مردم، عملاً به سمت آینده‌سازی حرکت می‌کند.

اما در نگاه مهدوی، میل به عدالت و تلاش برای استقرار حکومت موعود ادیان اصالت یافته، انسجام‌بخش جوامع گوناگون و اتصال‌بخش حرکت انبیای الهی می‌گردد. به عبارت

دیگر در این فرض، بشر با اصالت دادن و توجه ویژه به نقش اراده پروردگار، در قالب سنن الهی به نقش انسان‌ها می‌نگرد و برای سرنوشت تک‌تک افراد بدون تفاوت در نژاد و نسل‌ها و البته متفاوت بر اساس میزان تقوا، ارزش قائل است. از این رو باورمندان به این تفکر، عملاً به سمت زمینه‌سازی حرکت می‌کنند.

پس تصویر این دو نگاه و تفکر و در نتیجه تلاش‌ها و راهبردهای آن‌ها و همچنین نوع حرکتشان متفاوت خواهد بود. حال، هنری که می‌کوشد زمینه تفوق رویکرد نخست، یعنی آینده‌سازی را مهیا کند، هنر آینده‌ساز و در نقطه مقابل، هنری که به سمت رشد فطرت انسانی با تکیه بر اراده الهی است، هنر زمینه‌ساز خواهند بود. این جاست که نقش هنرمند آینده‌ساز یا زمینه‌ساز پررنگ‌تر می‌شود. او به سبب کفران نعمت و موهبت الهی، به توانمندی و استعدادی می‌رسد که با درک نادرست از روند حوادث و بر اساس وسوسه‌های شیطانی، مردم را با ابزار هنر به سمت نفی اراده الهی، یا به تعبیری آینده‌سازی سوق می‌دهد و یا با فهمی درست و منطبق با آموزه‌های وحیانی از موهبتی که در او نهفته است، با استعانت از هنر و قابلیت‌های آن، ضمن توجه به نقش اراده پروردگار، جایگاه و رسالت افراد بشر را در تحقق وعده الهی گوشزد نموده و جامعه را به سمت زمینه‌سازی سوق می‌دهد. مقام معظم رهبری در این باره تعبیری زیبا دارند:

من حوادثی را به چشم خود دیده‌ام که شاید چشم مادی نتوانسته آن‌ها را درک کند، اما بعد که شما هنرمندان آن‌ها را به نگارش درمی‌آورید یا در قالب نمایش نشان می‌دهید و یا به زبان قصه بیان می‌کنید، من آن حوادث را که بازبینی می‌کنم می‌بینم عجب حوادثی بوده است. تازه شروع به فهمیدن آن می‌کنم. لذا به نظر من نقش هنرمند مسلمان نقش فوق‌العاده برجسته‌ای است.<sup>۷</sup>

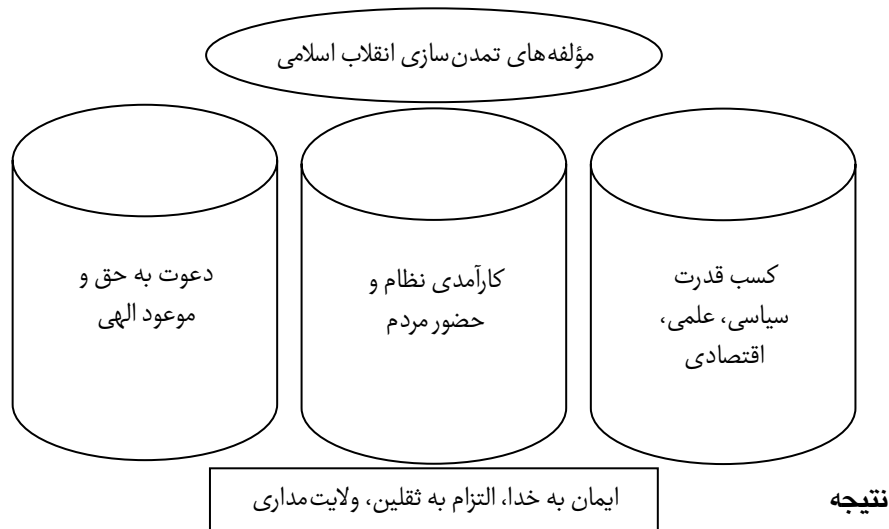
### تمدن‌سازی و هنر زمینه‌ساز

تمدن‌سازی، علاقه‌مندان بسیاری را به خود مشغول کرده است. تمدن‌سازی را می‌توان حرکت هوشمندانه یک ملت، یا بخشی از یک ملت به سوی استقرار دست‌آوردهای مورد پذیرش و خواست آن‌ها دانست.<sup>۸</sup> ممکن است یک ملت، خود دارای تمدن باشند اما تمدن‌سازی نکنند و برعکس، ممکن است ملتی دارای تمدنی ضعیف‌تر باشند، اما به سوی تمدن‌سازی حرکت کنند.

چنان‌که در تعریف هنر گفتیم، هنر دارای ابعاد گوناگونی است که با تمدن و تمدن‌سازی پیوندی ویژه دارند. از این رو، تمدن‌سازی و هنر با هم ارتباط دارند. در حقیقت با استفاده از

هنرمی توان تمدن ساخت و البته گروه و ملتی که می خواهد تمدن ساز باشد باید به ابزار ارزشمندی چون هنر مسلح شود. حال اگر مفاهیم هنر آینده ساز و زمینه ساز را به این معادله بیفزاییم، نتیجه جالب تر خواهد شد. به بیان دیگر، هنر آینده ساز به سمت خلق تمدنی مبتنی بر ارزش های آینده سازی حرکت می کند، همان گونه که هنر زمینه ساز نیز به سوی تفکر ناب مهدویت متمایل است. از سوی دیگر، تمدن غربی برای استیلا و القای تفکرات خود به مخاطبانش نیازمند هنر آینده ساز است، چنان که تفکر مهدویت نیز برای گسترش خود و بصیرت بخشی به مخاطبش، به شناخت و به کارگیری هنر زمینه ساز نیاز دارد. برای تبیین بیشتر موضوع، به موضوع انقلاب اسلامی نگاهی می اندازیم.

انقلاب اسلامی، تنها انقلابی برای تغییر یک حکومت نبود، بلکه ویژگی هایی منحصر به فرد و متصل به منبع عظیم الهی داشته و دارد. لذا این انقلاب، یک رویکرد تمدنی و تمدن سازی بر پایه فطرت انسانی و پیام الهی است. از این منظر در عرصه جهان امروز، انقلاب اسلامی داعیه تمدنی مبتنی بر تفکر ناب و فعال مهدوی دارد. در این تفکر، ایمان به خدا، التزام به ثقلین و ولایت مداری اصول زیربنایی بوده و دعوت به حق و موعود ادیان به عنوان ممیزه تمدن انقلاب اسلامی، کارآمدی نظام و کسب اعتماد مردم و حضورشان در عرصه های گوناگون به انضمام کسب قدرتمندی سیاسی، علمی و اقتصادی از جمله مهم ترین مؤلفه های تمدن سازی به شمار می روند. شکل زیر این مؤلفه ها را در یک نگاه نشان می دهد.



جهان امروز سرشار از نشانه های هنر است. کارآمدترین و ماندگارترین شیوه ابراز عقاید و

تأثیرگذاری بردیگران با ابزارهای گوناگون هنری همچون تصویر، شعر، داستان، رمان، موسیقی، انیمیشن، امور رایانه‌ای، نقاشی، مجسمه‌سازی و نمایش صورت می‌گیرد. با توجه به همین ارزش هنر است که در دو بستر آینده‌سازی (به مفهوم ساخت آینده با نفی اراده الهی) و زمینه‌سازی (حرکت فعال برای نقش آفرینی بشر در آینده با توجه به اراده الهی)، دو مفهوم هنر آینده‌ساز و هنر زمینه‌ساز مطرح می‌شود.

باید توجه داشت که هنر، موهبتی الهی است که به سبب آن، خلقی بشری که متضمن ارائه اندیشه، دیدگاه و جهان بینی خالق آن بوده و در نزد او دارای زیبایی منحصر به فردی است، حاصل می‌گردد. با اتکالی به این قدرت است که هنر می‌تواند تمدن ساز باشد و برای ملتی که داعیه تمدن سازی، آن هم بر پایه تفکر ناب مهدویت دارد، هنر زمینه‌ساز به مثابه یک تصمیم راهبردی است و در حقیقت راهبردی فعال و اثربخش است و نه یک تفریح و سرگرمی.

به بیان دیگر، وقتی از منظر افق آینده و موضوع تمدن به هنر می‌نگریم، گسترش هنر دینی و هنر زمینه‌ساز در جامعه اسلامی، راهبردی اساسی است؛ راهبردی که ضمن پیچیدگی‌های ناشی از ماهیت هنر، ابعاد خاص فرهنگی دارد و در دولت زمینه‌ساز، به کارگیری و شناخت چنین راهبردی و طراحی مؤلفه‌ها، برنامه‌ها و زیرساخت‌های آن، خود نیازمند انتخاب مدل مناسب تصمیم‌گیری راهبردی است. این مدل می‌تواند همان مدل تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرایی باشد که در اصول و مفروضات خود، بصیرت‌بخشی، تمدن‌سازی و آگاهی‌بخشی را لحاظ نموده و با درک نقش ممتاز هنر به دنبال حرکتی راهبردی و فعال است.

در پایان، بی‌مناسبت نیست برای تبیین نقش هنر زمینه‌ساز در تمدن‌سازی انقلاب اسلامی، به جمله‌ای از مقام رهبری استناد کنیم که می‌فرماید:

هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است. انقلاب و جامعه اسلامی برای برقراری ارتباط و ابلاغ مکنونات قلبی خود به مخاطبینش به هنر فاخر و برجسته نیاز دارد.<sup>۹</sup>

## منابع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:  
<http://farsi.khamenei.ir>
۲. «تأملی در تعریف هنر»، مجتبی مطهری الهامی، به نقل از: <http://www.firooze.ir>
۳. «تعریف هنر و فلسفه آن»، مریم لباف‌زادی، به نقل از: <http://www.bashgah.net>
۴. «تقابل رویکرد تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و جهانی‌سازی، تحلیلی آینده‌نگرانه»، غلام‌رضا گودرزی، تهران، همایش انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی، ۱۳۸۸ ش.
۵. «رسانه تصمیم‌ساز موعودگرا: مقایسه موعود ادیان و موعود هالیوود»، غلام‌رضا گودرزی، رسانه، جامعه و حکومت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها (مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۱)، قم، انتشارات مؤسسه آینده‌روشن، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نک: «تأملی در تعریف هنر».
۲. نک: «تعریف هنر و فلسفه آن».
۳. دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر، ۱/۵/۱۳۸۰
۴. همان.
۵. آیا نمی‌دانید ما محمد را پیامبری یافتیم مانند موسی که به پیامبری و نام او در اوّل همه کتب تصریح شده است. به خدای کعبه قسم! ما به سبب سختی‌ها و مشکلات پیامبر را با عزا عوض نمی‌کنیم.
۶. باید بدانند که محمد بهترین مردم و وزیر موسی و مسیح است. برایمان هدایتی آورد، مانند آن‌چه که آن دو آوردند، پس هر یک به امر خدا هدایت می‌کند و محفوظ است.
۷. دیدار با مسئولان و هنرمندان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۲۵/۴/۱۳۷۰
۸. نک: «تقابل رویکرد تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و جهانی‌سازی، تحلیلی آینده‌نگرانه».
۹. دیدار با خانواده شهدا، اساتید و دانشجویان دانشگاه هنر، ۱/۸/۱۳۷۰